

نگاه جنبش‌های اسلامی دهه اخیر مصر به اسلام و مدرنیته

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۱۵ تاریخ تأیید: ۹۳/۵/۱۳

راضیه قاسمی*

چکیده

موضوع این مقاله، «نگاه جنبش‌های اسلامی دهه اخیر مصر به اسلام و مدرنیته» است. در واقع، جنبش‌های سیاسی اسلامی در مصر، از زمان ورود غرب به دنیای اسلام شکل گرفته است. ثمره تلاش‌های افرادی، مانند سیدجمال اسدآبادی پرورش اندیشمندان اسلام‌گرا در مصر بود. تلاش جنبش‌های پیشرو اسلامی در مصر، همچون اخوان المسلمین و غیره برای شناخت اسلام و مقابله با غرب و مدرنیته سیاسی در آراء و اندیشه‌هایشان نمود پیدا کرده است. در سال‌های اخیر نیز این جریان‌ها میدان عمل را در اختیار داشته و توانستند افکار و آراء خود را به محک آزمایش بگذارند. این مقاله درصدد است تا با نگاهی به اندیشه‌های احزاب و جریان‌های سیاسی مصر، کارنامه اسلام‌گرایی در مصر را روشن‌تر کند. بر این اساس، با به کارگیری روش پرسش‌های بنیادین گلن تیندر، اصلی‌ترین گزاره‌های سیاسی مدرنیته، استخراج و به طور مستند نگاه سلبی یا ایجابی احزاب و جنبش‌های مصر به آن گزاره‌ها مشخص شده است.

واژه‌های کلیدی: اسلام سیاسی، مدرنیته سیاسی، جنبش اسلامی، اخوان المسلمین.



پرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

احزاب و گروه‌های سیاسی

احزاب اسلام‌گرا

۱. اخوان المسلمین

این گروه در شهر اسماعیلیه مصر با تلاش حسن البنا در سال ۱۹۲۸ پایه‌گذاری شد. ارگان رسمی آن ماهنامه الدعوه و رهبری فعلی آن محمد بدیع است. اخوان المسلمین، از آغاز تاکنون، در کلیت خود یک جریان محافظه کار و در عین حال اصلاح طلب بوده و قطب‌ها و طیف‌های گوناگون جامعه خود را در درون جای داده است که شامل مسلمان‌های دموکرات و لیبرال نیز می‌گردد (همان، ص ۴۹).

۲. حزب عدالت و آزادی

تنها چند روز پس از سرنگونی رژیم حسنی مبارک، محمد بدیع، رهبر جماعت اخوان المسلمین تاسیس این حزب را به عنوان بازوی سیاسی این جماعت اعلام و تاکید کرد، باوجودی که دارای گرایش‌های اسلامی است، اما در آن به روی همه مصری‌ها از جمله مسیحیان باز است. پس از آن محمد مرسی به عنوان رئیس حزب برگزیده شد. این حزب موفق شد در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۱ موفق به کسب ۴۷ درصد از کرسی‌های پارلمان را تصاحب کند. در انتخابات ریاست جمهوری نیز محمد مرسی پیروز انتخابات شد. بین حزب عدالت و آزادی از یک سو و سلفی‌ها از سوی دیگر رقابتی عجیب وجود دارد. سلفی‌ها معتقدند که حزب عدالت و آزادی ارزش‌های خود را تا حد بسیار زیادی پایین آورده است.



پښتونستان د علوم او انسانیت د مطالعاتو فریښتی
پرتال جامع علوم انسانیت

حق اظهار نظر آزادانه، اجتناب از انتصاب افراد فامیلی و فعال سازی اقتصاد را کد تشکیل می‌داد. از منظر رسمی سیاسی آنها اصرار بر این نکته دارند که گروهشان مجموعه‌ای سیاسی نیست. اما همین گروه هسته مرکزی اعتراض علیه رژیم مصر را تشکیل می‌داد و توانست مخالفت‌ها را سازماندهی و ظرف مدت کوتاهی به سراسر کشور گسترش دهد.

۲. حزب وفد جدید

این حزب ادامه دهنده حزب وفد قدیم است که در سال ۱۹۱۹ توسط سعد زغلول تأسیس شد و رهبر آن نعمان جمعه و ارگان رسمی‌اش روزنامه وفد است و هدف خود را «دعوت به جامعه‌ای دموکراتیک، که در آن آزادی‌های اقتصادی و سیاسی تضمین شده باشد» معرفی کرد. حزب وفد در سال ۱۹۲۵ منحل و در سال ۱۹۷۶ با اعلام نظام چندحزبی توسط انور سادات، تجدید حیات یافت و از سال ۱۹۸۳ با نام حزب وفد جدید به رهبری فؤاد سراج‌الدین فعالیت خود را آغاز کرد و تقریباً همان خط مشی حزب وفد سابق، مهم‌ترین حزب تاریخ مصر، را دنبال می‌کند. ریاست آن هم اکنون بر عهده السید بدای، مصری است. متعاقب انقلاب ۲۰۱۱ حزب وفد جدید به گروه متحدان دموکراتیک ملی برای مصر شامل اخوان المسلمین و حزب عدالت و آزادی مصر پیوست ولی با نزدیک شدن به مرحله انتخابات با ترک گروه متحد تلاش کرد به طور مستقل شرکت کند و موفق شد ۹/۲ درصد از نتایج آرا را از آن خود کند.

۳. حزب الدستور

توسط محمدالبرادعی و گروهی از روشنفکران و فعالان سیاسی هم فکرش تأسیس شد. این حزب اتحاد همه مصریان صرف نظر از کیش و ایدئولوژی را جهت تضمین دموکراسی در نظر دارد.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۸. جبهه نجات ملی مصر

جبهه نجات ملی که ائتلافی متشکل از لیبرال‌ها، احزاب چپ‌گرا و گروه‌های جوانان است، با کمک قدرت‌های غربی و برخی کشورهای مرتجع عربی برای متوقف کردن فعالیت دولت تازه تأسیس مرسی همه نوع تلاش انجام داد. رهبران جبهه نجات ملی که در عرصه انتخابات، بازی قدرت را به اخوان المسلمین باختند، به راه‌های غیر دموکراتیک برای ورود به قدرت متوسل شدند، در حالی که شعار اصلی‌شان دموکراسی است. ایجاد درگیری‌های قومی و خیابانی، اختلال در روند فعالیت دولت، ممانعت از برگزاری انتخابات پارلمانی جدید و همچنین اعمال فشار برای تغییر برخی از وزرای کابینه از مهم‌ترین تحرکات و اقدام‌های جبهه نجات ملی علیه دولت محمد مرسی است. بنابراین هدف مشترک مخالفان در جبهه نجات ملی، سرنگونی دولت محمد مرسی و تشکیل دولت جدید بود. آنها ادعا می‌کردند که اخوان المسلمین در صدد ایجاد دیکتاتوری حزبی در مصر است و رفتارها و انتصاب‌های محمد مرسی نیز گویای این موضوع است.

۹. جنبش تمرد

گروه دیگر که برای مخالفت با دولت مرسی در مصر بوجود آمده است؛ جنبش جدید التاسیس تمرد (شورش) به رهبری محمد بدر است که به گفته خودش پانزده میلیون امضا (عضو) جمع کرده است و از موضوعات مرتبط با بحران اقتصادی کنونی، کمبود فرآورده‌های نفتی، قطعی مکرر برق و افزایش قیمت کالاهای اساسی، برای گردآوردن مصری‌های خشمگین در روز سی ژوئن، استفاده کرد.



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني

چپ‌گرایان حمایت کرد. اخوان المسلمین اگرچه هنوز حزبی غیرقانونی بودند اما بازسازی خود را به سرعت آغاز کردند. در همین زمان گروه‌های اسلامی رادیکال و جوان‌تری ظاهر شدند که تحت نفوذ اخوان المسلمین پیشین بودند. آنها معتقد بودند حکومت ضد اسلامی است و تنها گزینه را نابودی حکومت با انقلاب مسلحانه می‌دانستند. گروه‌هایی چون «سازمان آزادی‌بخش اسلامی» (که شباب محمد نیز نامیده می‌شد)، «تکفیر و الهجره»، «جماعه الجهاد» و نجات از جهنم به چشم می‌خورد. شباب محمد، در آوریل ۱۹۷۴ با موفقیت آکادمی علوم نظامی قاهره را تسخیر کرد، البته قوای حکومتی این تلاش برای کودتا را که هدفش ترور انورسادات و اعلام جمهوری اسلامی بود، ناکام گذاشت. تکفیر و الهجره در جولای ۱۹۷۷، حسین الذهبی یکی از شیوخ الازهر و وزیر پیشین موقوفات دینی را که منتقد جدی افراطیون بود ربود و به قتل رساند.

اگر چه رهبران شباب محمد و تکفیر و الهجره اعدام شدند و دیگران نیز زندانی شدند اما بسیاری از مبارزان به فعالیت زیرزمینی پرداختند و در سایر گروه‌های رادیکال مانند جندالله و جماعه الجهاد که بعدها انورسادات را ترور کرد، عضو شدند. هرچند انورسادات خود را علاقه‌مند به کار با نیروهای اسلامی نشان می‌داد، اما اخوان المسلمین و مبارزان جماعت اسلامی به دیدار سادات از اسرائیل و امضای قرارداد کمپ دیوید، حمایت از شاه ایران و محکومیت آیت الله خمینی و تصویب اصلاحات قانون خانواده اعتراض کردند و سیاست اقتصادی افتتاح یا سیاست درهای باز سادات را عامل وابستگی فزاینده مصر به غرب و توسعه و نفوذ فرهنگی غرب و کسب امتیازات اقتصادی نخبگان غرب زده می‌دانستند. سادات با اعلام تکنیک دین از سیاست، سخت‌گیری هر چه بیشتر با اخوان المسلمین، ممنوع کردن فعالیت گروه‌های دانشجویی و تلاش برای ملی کردن مساجد مصر، لقب فرعون جدید را از آن خود کرد.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سیاسی درون نظام سیاسی نشان دادند. جنبش‌های اسلامی در سیاست انتخاباتی شرکت کردند. فعالیت اخوان المسلمین در مقام یک حزب سیاسی در مصر ممنوع بود، اما با سایر احزاب سیاسی ائتلاف کرد و به صورت قدرتمندترین گروه سیاسی مخالف ظاهر شد. در دهه‌های اخیر اسلام‌گرایان مصری هم دامنه فعالیت سیاسی و هم تاکتیک و کاربرد زور را گسترش دادند. سازمان‌های رادیکال چون شباب محمد، تکفیر و الهجره، جماعه الجهاد و گروه اسلامی تلاش کردند تا حکومت و دموکراسی را یک جا طرد و رد کنند. رویکرد اخوان المسلمین در قبال دموکراسی در گذر این سال‌ها فراز و نشیب‌های زیادی داشته است. در دهه‌های آغازین شکل‌گیری اخوان، رویکرد دوگانه اخوان به دموکراسی بخشی از این اعتقاد بود که جهان اسلام در میانه تهدید تمدنی جهانی جنگ سرمایه داری بر سکولاریسم، فردگرایی و ماتریالیسم تأکید داشت، و دوم رویکرد الحادی کمونیستی - سوسیالیستی شرق که از طریق نظام‌های دیکتاتوری و استبدادی اعمال می‌شد. هر دو اینها که شامل نظامی برای مشارکت سیاسی هم می‌شد، از دید مسلمانان محکوم به شکست بودند و البته تهدید تلقی می‌شدند. اخوان المسلمین بر آن بود که اسلام‌گرایی بهترین و بومی‌ترین راه حل اسلامی برای شرق و غربی بود که هویت خود را از دست داده و شکست خورده بودند.

نگاه جریان‌های اسلامی به اسلام

اخوان به عنوان بزرگ‌ترین نماینده اسلام‌گرایان مصر در سرمقاله نخستین شماره هفته‌نامه اش «الذیر» که در زمان حیات حسن البنا (مؤسس اخوان المسلمین) به عنوان ارگان سیاسی اخوان المسلمین فعالیت می‌کرد، به قلم حسن البنا نوشت: «اسلام آیین پرستش است و رهبری و دینداری و حکومت و معنویت و کار. نمازش با جهادش آمیخته و طاعتش با حکومت. قرآن و شمشیری است که جدایی نمی‌پذیرند.» این کلمات را می‌توان به عنوان



پروفیسر شکارہ گل خانہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

حزب عدالت و آزادی شاخه سیاسی اخوان المسلمین مصر نیز اسلام منبع اصلی قانون‌گذاری کشور می‌داند و در کنار آن از برخی شیوه‌ها و راهکاری اجرایی شدن سیاست اسلامی هم سخن می‌گوید: اصل شورا و مشورت که از اسلام است، پایه و اساس دموکراسی و تنها راه تحقق منافع ملی می‌داند و درباره آزادی و عدالت معتقد است که حقوقی است که از خدا به انسان داده شده است، بنابراین هیچ قدرتی، چه فردی چه جمعی نمی‌تواند این حقوق را از شهروندان بگیرد و تمام شهروندان از این حقوق جدای از هر رنگ و نژاد و مذهب و آیینی برخوردار هستند. این حزب در اهداف خود از «تحقق اصلاح سیاسی و قانونی و حق آزادی عمومی و خصوصی، از جمله تشکیل احزاب و موسسات جامعه مدنی» نام می‌برد (پورتالب، ۱۳۹۱).

در آغاز انقلاب، احزاب سلفی و شخصیت‌های برجسته‌شان مانند عبدالمنعم شحات نیز از نخستین چهره‌های اجتماعی بودند که قصد خود را برای ورود به سیاست و تشکیل احزاب سیاسی اعلام کردند و این تغییر رویکرد ناگهانی از سکوت سلفی را با توسل به اصل شرعی «منفعت عمومی» توجیه نمودند. استدلال آنها این بود که دولت اسلامی دولتی آرمانی است اما در نبود چنین دولتی مشارکت در نظامی سکولار به منظور ممانعت از بازگشت دولتی سرکوب‌گر و فاسد ضروری است (شوشتری زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۷۰). النور اصلی‌ترین حزب سلفی‌گرای مصر، با پذیرفتن مشارکت سیاسی خواهان دولتی غیر نظامی بود که همه مصریان در آن بدون تبعیض، «دور از تئوکراسی معین حاکمیت بر اساس اراده خدا» زندگی کنند. النور ضمن حمایت از تفکیک قوا و عدم مداخله سیاسی در نظام قضایی، خواهان تضمین فهرست بلندی از آزادی‌ها و حقوق، از جمله آزادی بیان، حق انتخاب رهبر و پاسخ خواستن از او و خدمات درمانی و تحصیلات رایگان بود. با این همه حزب به شکلی مبهم از وجود همه این حقوق در یک چهارچوب بنیادین شریعت سخن می‌گفت (همان، ص ۱۷۲).



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښتی
پرتال جامع علوم انسانی

۲. دموکراسی

احزاب مصری چون حزب وفد، حزب ملی لیبرال، حزب کار، حزب دموکراتیک غربی ناصری، اخوان المسلمین و کمونیست‌ها در کنگره‌ای در ۸ و ۹ دسامبر ۱۹۹۷ که تعداد بسیاری از سیاستمداران، روشنفکران، اساتید دانشگاه‌ها و متخصصان و محققان مراکز حقوق بشر و دیگر مراکز روشنفکری و تحقیقات سیاسی در آن مشارکت داشتند، برنامه دموکراتیک خود برای اصلاحات سیاسی و قانون اساسی را تنظیم و تدوین کردند و توافق بر سر موارد زیر حاصل شد: ۱. تأمین آزادی‌ها و حقوق اسای شهروندان، به ویژه آزادی عقاید مذهبی، ادبی و هنری، آزادی تحقیق علمی، آزادی تظاهرات و اعتراض مسالمت آمیز بدون وجود قید و شرط یا محدودیت‌ها. این آزادی‌ها باید در چارچوب قواعد اساسی جامعه و در محدوده‌های نظم و منش عمومی اعمال شود. همه شهروندان از حق آزادی شخصی و سلامت و امنیت در برابر صدمه جسمی برخوردار هستند. تمام قوانینی که این آزادی‌ها و حقوق را از بین می‌برد باید لغو شود. ۲. فراهم آوردن تضمین‌های لازم برای دعاوی قضایی و استقلال دادگاه‌ها و لغو انواع دادگاه‌های فوق العاده، از جمله دادگاه‌های امنیت دولتی، ممنوعیت محاکمه غیرنظامیان در دادگاه‌های نظامی و محاکمه محکوم شدگان دادگاه‌های نظامی در یک دادگاه عادی. ۳. پایان دادن به اجرای اقدامات فوق العاده و اصلاح قانون اضطراری به نحوی که این قانون تنها در دوره جنگ و یا طی بلایا و فجایع واقعی و آن هم تنها برای دوره محدود به اجرا درآید و تنها حکومت نظامی باید بر طبق اقدامات اضطراری محدود شود و تلاش‌های گسترده‌ای برای پایان دادن به کشتارهای غیرقانونی یا بازداشت و شکنجه شهروندان صورت بگیرد. ۴. ضرورت اصلاح قانون اساسی پس از یک دوره انتقالی که طی آن آزادی‌های فوق الذکر بر اساس آن تضمین شود و بدین وسیله به یک قانون اساسی دموکراتیک تبدیل شود که منبع واقعی اقتدار را به ملت اعطا کند و قدرت اجرایی را در یک شورای وزیران متمرکز کند که در برابر یک



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني

مقدس اسلام و احترام به ارزش‌های بنیادین و ابزارهای رسیدن به دموکراسی (مانند احترام به آزادی‌های همگانی، تکثرباوری، انتقال قدرت از راه انتخابات شفاف و سالم، حاکمیت رأی مردمان، تفکیک قوا، مردود بودن خشونت، بهره‌گیری از ابزارهای قانونی برای پیشبرد گام به گام اصلاحات، پذیرش اصل شهروندی به عنوان مبنای حقوق و مسئولیت‌های مسلمانان و غیرمسلمانان و پشتیبانی از حقوق بشر به ویژه حقوق زنان و قبطیان) را یادآور شده است. رهبران اخوان از دهه ۱۹۹۰ بدین سو، بارها دموکراسی را بر پایه اسلام توجیه و تأکید کرده‌اند که «امت سرچشمه اقتدار سیاسی است». آنان حتی در انتخابات دست اتحاد به سوی سکولاریست‌ها ناسیونالیست‌ها و لیبرال‌ها دراز کردند. بدین سان با وجود اختلاف‌های درونی اخوان بر سر چند و چون دموکراسی در دستور کار سیاسی تازه آنان بر نیاز به رژیم دموکراتیک و «دولت مدنی» که ضامن حقوق و آزادی‌های سیاسی و مدنی در درون مرزهای جهان اسلام باشد، انگشت گذاشته شده است. در بینش سیاسی کنونی اخوان سه اصل راهنما دیده می‌شود:

۱. لزوم همخوانی قوانین جاری با شریعت اسلام؛
۲. ضرورت پاگرفتن آزادی‌های مدنی و سیاسی با تأکید بر رفتار برابر با شهروندان؛
۳. برگزاری انتخاباتی درست و شفاف که ضمانت‌های موجود برای پاسخگویی برگزیده شدگان از سوی شهروندان را نهادینه سازد (دلیرپور، ۱۳۹۰، ص ۱۶۲-۱۷۵).

در سال ۱۹۹۴ سازمان اخوان المسلمین درباره شورای اسلامی بیانیه‌ای منتشر کرد و طی آن محدودیت‌های موجود در ارتباط با دموکراسی را اعلام داشت و دموکراسی را در چارچوب شورا تبیین نمود. این بیانیه تأکید می‌کند که باید بسیاری از مسایل از طریق مجلس منشعب اتخاذ شود، ولی بسیاری از مسایل مهم توسط شریعت مشخص شده است و نمی‌توان آنها را به بحث عمومی گذاشت. آنها هم چنین معتقدند که درباره مسایل اجتماعی باید بحث‌های عمومی صورت گیرد، البته این کار باید با لحاظ مسأله تسامح و تساهل و کنار گذاشتن تندروی‌ها و در عین حال سیستم چندحزبی، آزادی و عدم



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علمون انساني

حکومتی را که تنها بر شریعت استوار نباشد، مرتد می‌دانند؛ از دید آنان، دموکراسی تنها یک تاکتیک نادرست نیست، بلکه گناهی نابخشودنی است، زیرا حاکمیتی را که از آن خداست به انسان‌ها می‌بخشد. برای نمونه ابوالحمزه المصری، روحانی تندرو که سرپرستی مسجد معروف فینسبری پارک لندن را دارد گفته است: دموکراسی «یعنی خدا خواندن خود با صدای بلند و رسا، یعنی آن که گروهی از مردمان که نظر خود را به رأی تبدیل کرده‌اند، نظر و تصمیم خود را برتر از اراده خداوند قرار دهند.» ابومحمد المقدسی تز دموکراسی را شرک آشکار و آن گونه از کفر دانسته است که خداوند در قرآن کریم درباره آن هشدار داده است. درباره نگاه سایر احزاب مصر نیز وضعیت روشن است. احزاب لیبرال و سکولار بالطبع مشکلی با دموکراسی ندارند. اما پایبندی خود را به دموکراسی و لوازم آن چون انتخابات نشان نداده‌اند. کودتا علیه مرسی تناقض رفتار و گفتار این گروه‌ها را به خوبی نشان داد.

۳. آزادی

آزادی مطبوعات و آزادی بیان در دوران مبارک محدود بود. دولت مالکیت همه رسانه‌های تصویری و صوتی را در اختیار داشت. در سال ۱۹۹۵ دولت قانون مطبوعات جدید دیگری را وضع کرد که آزادی بیان را محدودتر می‌کرد. این قانون به دادگاه‌ها اجازه می‌داد روزنامه‌نگاران را پیش از تفهیم اتهام بازداشت کند. در خصوص آزادی‌های سیاسی «موسسه خانه آزادی» هر ساله آمارهایی را منتشر می‌کند که نشان دهنده میزان آزادی‌های سیاسی در کشورهاست. مصر در این مورد در زمان مبارک، آمار خوبی از خود بر جای نگذاشته بود. این آمارها نشان می‌دهد که میانگین آزادی مصر طی دو دهه گذشته ۵/۵ بوده که شاخص بسیار ضعیفی در زمینه آزادی‌های سیاسی محسوب می‌شود (مقدس و اکوانی، ۱۳۹۱، ص ۹۳-۱۱۸). با توجه به این مسائل و محدودیت‌ها بود که احزاب موضع خود را در برابر این محدودیت‌ها بیان می‌کردند. حزب وسط بر آزادی عقیده، آزادی بیان، و احترام به حقوق بشر تأکید داشت و



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني

را در ۱۹۸۶ در اختیار گرفت. تا پایان دهه ۸۰ اخوان به پیروزی‌های مشابهی در انجمن‌های حرفه‌ای عمده (به استثنای انجمن روزنامه نگاران) رسید. این پیروزی‌های انجمنی اهمیت ویژه‌ای از لحاظ حضور برجسته و فزاینده آن در جامعه مدنی داشت. در سال ۱۹۹۲ اخوان اکثریت کرسی‌ها (۱۴ از ۲۵) را در شورای مدیریتی مشهور وکلای دادگستری به دست آورد. این پیروزی نشانه پایان روابط نزدیک حزب دموکراتیک ملی حاکم و انجمن وکلا بود که باعث نامشروع جلوه دادن قوانین دولتی و سایر سیاست‌های آن می‌شد. اخوان از اهرم انجمن‌های حرفه‌ای برای چالش مستقیم با سیاست‌های دولت استفاده می‌کرد. سلطه اخوان بر انجمن‌ها مکانیسم نیرومندی در اختیار آنها گذاشت تا انواع خدمات شبه رفاهی را برای طرفداران، اعضا و یا حامیان بالقوه اش فراهم سازد (کامپانا، ۱۳۷۷، ص ۴۶-۵۹).

در فوریه ۱۹۹۳ حکومت قوانین انتخاباتی را طوری تغییر داد که انجمن‌ها را تابع خود کند و اداره انجمن‌های صنفی را به منظور مقابله با نفوذ اخوان المسلمین در اختیار خود بگیرد، اما تسلط اخوان المسلمین بر سندیکاها و کلا، اطبا و مهندسان همچنان برقرار ماند (اسپوزیتو، ۱۳۹۱، ص ۳۵۲).

ب. ابزارها و شیوه‌های مدرن

۱. انتخابات

اخوان المسلمین فرایندهای انتخاباتی را درون سازمان‌های خود به کار می‌برند و در سیاست ملی مشارکت می‌کنند. مشارکت سیاسی و دموکراسی برای اخوان المسلمین در دورانی که حزبی قانونی شناخته نمی‌شد، حداقل وسیله‌ای بود برای نیل به هدف، مبارزه و حفظ و گسترش اسلام. مضافاً همچنان که اخوان المسلمین پس از ظهور مجددش در دهه ۱۹۷۰ به وضوح مشارکت را به جای انقلاب خشونت بار برگزید، دموکراسی را هم به صورت نقدی بر



پښتو ښکلا ځای علوم انسانی و مطالعات فریښی
پرتال جامع علوم انسانی

اعضای حزب مجاز دانسته می‌شد و در یک توافق نانوشته بین طرفین، اخوانی‌ها توانستند اکثریت اعضای سندیکاها را کسب کنند. در سال‌های حکومت مبارک، اخوان در هر دوره از انتخابات پارلمانی تعداد کرسی‌های بیشتری را کسب می‌کرد (کریم نیا، ۱۳۸۸، ص ۶۳-۱۱۰). ایزار تحریم انتخابات، در دوران پس از انقلاب مصر نیز کماکان وجود داشت، اخوان که در نخستین انتخابات پارلمانی مصر پس از انقلاب توانست پیروزی چشمگیری به دست آورد، در گام بعدی با موفقیت، نماینده خود محمد مرسی را از شاخه سیاسی حزب اخوان (حزب عدالت و آزادی) به ریاست جمهوری رساند، اما پس از کودتای ارتش، ائتلاف ملی هوادار محمد مرسی به نشانه اعتراض و عدم به رسمیت شناختن و مشروع دانستن حکومت نظامی السیسی، همه‌پرسی قانون اساسی و انتخابات ریاست جمهوری را تحریم کرد و اعلام کرد در انتخابات شوراهای محلی، مجلس، ریاست جمهوری و همه‌پرسی شرکت نمی‌کنند چون تمام اینها مولود کودتای غیرقانونی است. و اعلام کرد فقط در تشکل سندیکاها و حرفه‌ای و کارگری شرکت می‌کند (شبکه العالم، ۱۳۹۲/۱۲/۳) این امر نشان می‌دهد که اخوان سیاست خود را مبنی بر حفظ قدرت اجتماعی از طریق در اختیار گرفتن پایگاه‌های مدنی، حتی در شرایطی که از طرف حکومت السیسی، نهاد تروریست شناخته می‌شود، ادامه می‌دهد.

۲. رفتار دوم

سیاست اخوان در امر انتخابات، مشابه سیاستش در رفتار دوم و همه‌پرسی بود. اخوان در حالی که خود همه‌پرسی قانون اساسی را پس از برکناری مبارک برگزار کرده و نتیجه مطلوب خود را گرفته بود، اما پس از کودتا علیه مرسی، تمام این ابزارها (همه‌پرسی و انتخابات) را فاقد مشروعیت دانست چون در حکومت کودتا هیچ چیز قانونی نبود. به همین علت نه تنها گروه‌های طرفدار اخوان چون «ائتلاف حمایت از مشروعیت» و «جوانان ضد کودتا» همه‌پرسی قانون اساسی را تحریم کردند بلکه آن را قانون خون نامیدند و هدف از مبارزه را نه



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني

اخوان نه تنها راهکاری اسلامی برای ارائه حکومت دینی ندارد، بلکه در تلاطم درگیری‌های منطقه‌ای و زایش نیروهای تندروی سلفی، و همچنین فتنه‌ورزی کشورهای غربی و سکولارهای داخلی، گه‌گاه به دام هر دو گروه می‌افتد. شاید بتوان گفت: اخوان المسلمین نیز همچون سایر جریان‌های اسلام‌گرا در مقام حرف، اسلام را به عنوان راه حل می‌شناسد، گزاره‌های غربی و مدرن را نفی و بر راه کارهای اسلامی تأکید می‌ورزد، اما در مقام عمل، هنوز چاره‌ای جز دست انداختن به گردن این ابزارها ندارد، هر چند که آن را قبول ندارد.



فهرست منابع

الف. کتب

۱. اسپوزیتو، جان (۱۳۸۹)، جنبش‌های اسلامی معاصر، ترجمه شجاع احمدوند، تهران: نشر نی.
۲. توکلی، یعقوب (۱۳۸۸)، پژوهشی در تفکر و عملکرد جماعت اسلامی مصر، تهران: سوره مهر.
۳. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۰)، تمدن و تجدد در اندیشه معاصر عرب، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴. فلاح‌زاده، محمدهادی (۱۳۸۴)، جمهوری عربی مصر، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۵. موسسه ابرار معاصر ایران (۱۳۹۱)، بیداری اسلامی (ویژه مطالعات موردی)، ج ۲، موسسه ابرار معاصر معاصر ایران.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی